

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیواد وال کابلی

۱۴ اپریل ۲۰۱۱

خیرمقدم به وجدان های بیدار

بعد از روزها سری زدم به پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» و چشمم به اسم آقای هادی شمیر و مقاله ایشان افتاد. با حفظ نکته ای که در تبصره اداره پورتال در اخیر نوشته آن هموطن فهیم آورده شده است، من مقاله ارزشمند و تحلیلی شانرا خیلی مفید و تنویر کننده یافتم. خوشبختانه اثر دیگری باز هم از ایشان زینت بخش شماره دیروزی پورتال بود که تا حال برای خواندن آن فرصت نکرده ام. من به عنوان علاقه مند و همکار قلمی پورتال و طنخواهان غیور «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» حضور محترم هادی شمیر را برای غنای هر چه بیشتر مندرجات پورتال خیرمقدم گفته و در ارتباط تحلیل های عالمانه شان در مورد ارتجاع آخوندی ایران و ارتجاع طالبی (سعودی) افغانستان، پارچه شعر زیبایی را که در شماره های ۱۸ و ۱۹ ماهنامه «آذرخش» به پیشواز بهاران ۱۳۷۶ خورشیدی مطابق به اپریل ۱۹۹۷ میلادی به چاپ رسیده بود، درینجا به عنوان تحفه معنوی به ایشان پیشکش می نمایم.

هیوادوال کابلی

۱۳ اپریل ۲۰۱۱

نوروزانه

اسماعیل «خوئی»، شاعر نامدار ایران، به پیشواز نوروز ۱۳۷۵ شعر زیبایی سروده است. از آنجائیکه اوضاع هردو کشور شباهت های زیادی باهم دارند، یعنی خلق های هردو کشور در زیر سُم ستوران رژیم ها و باندهای ارتجاعی خورد و خمیر می شوند، ماهم به مناسبت فرارسیدن نوروز و بهاران سال جاری سروده زیبای اسماعیل «خوئی» را زینت افزای شماره نوروزی «آذرخش» می نمایم.

کام همگان باد روا ، کام شما نه!
ایام همه خرم و ایام شما نه!
زان گونه عیوس اید که گویی می نوروز
درجام همه ریزد و درجام شما نه!
و آن گونه شب اندوده ، که ، با صبح بهاری ،
شام همگان می گذرد ، شام شما نه!
وانگار که خورشید بهارانه ایران*
بربام همه تابد و بر بام شما نه!
ای مرگ پرستان! بیژو هیدم و دیدم
هردین به خدا ره برد ، اسلام شما نه!
فقهه بهاران به سوی خلق ، به شادباش ،
پیغام خدا آرد و پیغام شما نه!
ای جزدگر آزاری انعام شماییان
ماییان همه را عیدی وانعام شما نه!
از عشق و جمال اید چنان دور که گویی
مام همگان زن بود و مام شما نه!
وان سان چغرامد دل تان کز تف دانش
خام همگان پخته شود ، خام شما نه!
وین زلزله کز علم درارکان خرافه ست
خواب همه آشوبد و آرام شما نه!
وین صاعقه در پرده او هام جهانی
زد آتش و در پرده او هام شما نه!
و آنکه ، زدوای خرد و عاطفه ، درمان

سرسام جهان دارد و سرسام شما نه!
سنجیدم و دیدم که نشانی ز تکامل
احکام نرون دارد و احکام شما نه!
وین قافله پیشرو دانش و فرهنگ
ازگام همه برخوردار ، ازگام شما نه!
وین مام طبیعت ، به فرآوردن انسان ،
وام حجرش هست ، ولی وام شما نه!
ای معنی "آمال" شما را ، نه جز "آلام" ،
کام همگان باد روا ، کام شما نه !
وین دین مشادین "الم": زان که ، به تصریح
جز "میم" پسایند "الف لام" شما نه!
وی جزالم ، البته الم تا دگران راست ،
سرچشمه انگیزش والهام شما نه!
شادی گهرماست ، که ما جان بهاریم ،
ای "ملت گریه" به جز انعام شما نه!
ما ، همچو گل ، ازخنده خود سریه درآریم
برکام خدا ، نَزِ قَبْلِ کام شما ، نه!
وین گونه ، دراین عید ، رمان آهوی امید
رام همه ماست ، ولی رام شما نه!
ای عام شما ، دریدی ودد صفتی ، خاص؛
وی خاص شما نیک تر از عام شما نه!
پوشید عبا ، زیرا پوشاک بشررا
اندام همه زیبد و اندام شما نه!
ای مردم ما را به جز اندیشه و دانش
بیرون شدی از مهلکه دام شما نه!
بس مدرسه ، هرسوی ، به سرتاسر ایران*

و اباد ، ولی مکتب او هام شما نه!
بادا که ، به بازار جهان ، دکه هردین
واما ند و دکاتک اصنام شما نه!
ای تا ، به سیاست ، کسی اعدام نگردد ،
تدبیر سیاسی به جز اعدام شما نه!
اربخشش خصمان خدا خواهم از خلق ،
نام همه شان می برم و نام شما نه!
یعنی که سرانجام همه خلقان نیکو
خواهم ، به سرانجام ، و سرانجام شما نه!
ای ، از پس خون دل ما ، نوشی جز مرگ
از بهر دل خون دل آشام شما نه!
بادا که - به نامیزد - فردای رهائی
فرجام همه باشد و فرجام شما نه!

* برای بیان درد ملت افغان که با عین قماش دشمنان علم و انسانیت روبرو است ، میتوان در خواندن شعر بالا ، باری
به جای ایران ، افغان ، هم خواند. این خود نشانه هم آهنگی مبارزات خلق های دوکشور است.